

ایران و بیزانس

تقدیم به دخترم صبا

۰۴

سرشناسه: پیگولفسکایا، نینا ویکتوروونا، ۱۸۹۴ – ۱۹۷۰ م.

Pigulevskaia, N. V. (Nina Viktorovna)

عنوان و نام پدیدآور: ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی / نینا پیگولفسکایا؛ ترجمه کامبیز میربهاء

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۱۹۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۰۰۸-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: ВИЗАНТИЯ И ИРАН НА РУБЕЖЕ VI И VII ВЕКОВ

یادداشت: کتابنامه

یادداشت: نمایه

موضوع: ایران – تاریخ – ساسانیان، ۲۲۶ – ۶۵۱ م – جنگ‌های روم

موضوع: بیزانس، امپراتوری – تاریخ

شناسه افزوده: میربهاء، کامبیز، ۱۳۴۹ –، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ الف ۹ پ/۴۱۳ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۸۰۹۵۵۰

ایران و بیزانس

در سده‌های ششم و هفتم میلادی

نینا پیگولفسکایا

ترجمه کامبیز میربهاء



این کتاب ترجمه‌ای است از:
ВИЗАНТИЯ и ИРАН
НА РУБЕЖЕ VI и VII веков
Н. В. Пигулевская
Издательство Академии Наук СССР



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

نینا پیگولفسکایا

ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی
ترجمه کامبیز میربهاء

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۱

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹ - ۰۰۸ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 008 - 9

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۱۰۰۰ تومان

مقدمه مترجم

نینا ویکتوروونا پیگولفسکایا (استیب نیتسکایا)، خاورشناس و تاریخ‌نگار روسی (۱۲۷۳-۱۳۴۹ ش / ۱۸۹۴-۱۹۷۰ م)، در خانواده‌ای اشرافی و لهستانی‌تبار در سن‌پترزبورگ روسیه متولد شد.

او در سال ۱۹۱۸ دوره آموزش عالی زنان (بستوژف) را به پایان رساند و در سال ۱۹۲۲ در رشته خاورشناسی از دانشگاه پتروگراد درجه دکتری گرفت. طی سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۸ شغل کتابداری را با عنوان مسئول بخش نسخ خطی شرقی کتابخانه عمومی لنینگراد تجربه کرد و فرصت یافت با منابع دست اول و دوم شرقی آشنا شود. در سال ۱۹۲۹ به خاطر فعالیت در محفل دینی و فلسفی «رستاخیز» در لنینگراد دستگیر و به مدت پنج سال به اردوگاه کار اجباری تبعید شد.

نینا پیگولفسکایا از سال ۱۹۳۸ در مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی مشغول به کار شد و در سال ۱۹۴۶ به عضویت آن فرهنگستان درآمد. از سال ۱۹۵۲ تا هنگامی که چشم از جهان فرو بست، به تدریس در دانشگاه اشتغال داشت. او در این سال‌ها چندین مسئولیت علمی دیگر را پذیرفت و منشأ خدمات برجسته و متعددی در زمینه خاورشناسی، به‌ویژه خاور میانه و روم شرقی (بیزانس) شد.

پیگولفسکایا بیش‌تر به عنوان متخصص تاریخ خاور میانه و بیزانس شناخته شده است. او به زبان‌های متعدد، از جمله یونانی، لاتینی، عبری، عربی، سریانی، و حبشی مسلط بود و به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، و ایتالیایی نیز آشنایی داشت. او از خود حدود ۲۱ اثر تألیفی به یادگار گذاشت و تاکنون بیش از ۳۵ کتاب و مقاله در باره او و آثارش به رشته تحریر در آمده است.

کتاب ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی به شرح اوضاع داخلی دو کشور ایران و بیزانس، بحران‌های داخلی هر یک، و مناسبات سیاسی آن دو با یکدیگر در سده‌های حساس و سرنوشت‌ساز ششم و هفتم میلادی اختصاص یافته است. جنگ‌های ایران و بیزانس، و علل پیروزی یا شکست هر یک از رقیبان با دقت و با ذکر جزئیات شرح داده شده‌اند.

از نقاط قوت کتاب حاضر، بهره‌گیری مؤلف آن از منابع اغلب دست اول و نزدیک به دوره مورد بحث است. او با استفاده از منابع متعدد به زبان‌های یونانی، سریانی، عربی و فارسی، و مطالعه تطبیقی آنچه در منابع مذکور در باره این دوره آمده، تصویر نسبتاً روشنی از اوضاع دو کشور قدرتمند سده‌های ششم و هفتم میلادی ارائه کرده است. از همسر و یگانه فرزندم سپاسگزارم که پذیرفتند اوقات ارزشمند همنشینی با آن‌ها را صرف ترجمه این کتاب کنم.

در خاتمه، از جناب آقای حسین زادگان، مدیر محترم انتشارات ققنوس، صمیمانه سپاسگزارم. برگردان و چاپ و نشر این اثر از روسی به فارسی با حمایت بی دریغ ایشان میسر شد.

کامبیز میربهاء

تابستان ۱۳۹۱

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	منابع
۱۳	منابع یونانی
۳۶	منابع سریانی
۵۵	منابع به سایر زبان‌ها
۵۹	سکه‌ها
۶۳	بیزانس پس از یوستینیانوس
۶۹	ماوریکیوس (۵۸۲-۶۰۲ م)
۷۴	جنگ ایران و بیزانس در سال‌های ۵۸۳-۵۹۰ م
۹۱	ایران در پایان سده ششم میلادی
۹۱	قیام بهرام چوبین
۱۰۰	خسرو در قلمرو بیزانس
۱۱۴	مرگ بهرام، شورش بندوی و بسطام
۱۲۱	تصرف سرزمین‌های بیزانس توسط ایران
۱۳۷	ایران در روزگار خسرو دوم
۱۳۷	طبقات اجتماعی و نظام حکومتی ایران
۱۴۸	بودجه دولت و مالیات‌ها
۱۵۶	صنعت و تجارت

۱۶۰	ارتش
۱۶۳	ادیان ایران در روزگار خسرو دوم
۱۷۹	نتیجه گیری
۱۸۱	کتابنامه
۱۸۷	نمایه

مقدمه

تاریخ آسیای مقدم پیش از استیلای اعراب، بسیار جذاب است. اما اوضاع سیاسی، اجتماعی و نظامی بیزانس (روم شرقی) و ایران در سال‌های دهه نهم سده ششم تا دهه اول سده هفتم میلادی به قدر کافی پژوهش و بررسی نشده است. سرنوشت آن‌ها طی صد سال با جنگ‌ها و صلح‌های میان آن‌ها در هم تنیده و با یکدیگر عجین شده بود. ارتش ایران علاوه بر سرزمین‌های آسیایی بیزانس، حتی تا متصرفات آفریقایی آن نیز پیشروی کرد، از سویی دیگر ارتش بزرگ بیزانس حضوری بلندمدت در درون مرزهای ایران داشت و حتی به پایتخت آن نیز رسید. اوضاع داخلی هر یک از این دولت‌ها چنان بود که هر از گاه بهانه مداخله دیگری قرار می‌گرفت.

در سال ۶۰۲ م قیام سرنوشت‌سازی در ارتش بیزانس روی داد که منجر به انتقال قدرت به سربازی به نام فوکاس شد. این قیام نتیجه ناآرامی‌های درون ارتش بود و بخش‌هایی از آن ریشه در رویدادهای گذشته داشت که طی آن سپاهیان مستقر در مرزهای ایران چندین بار شوریدند و لژیون‌های شبه‌جزیره بالکان را نیز ملتهب ساختند. زمینه شورش‌ها در شهرهای بزرگ با جدال‌های «احزاب سیرکی» یا دمه‌ها - نماد شاخص کشمکش‌های سیاسی اجتماعی در بیزانس - آماده شده بود. رویدادهای اقتصادی این دوره حاکی از بازرگانی رو به رشد در دولتی بود که به ایجاد ارتباط و مناسبات با کشورها و سرزمین‌های فراسوی مرزهای خویش می‌اندیشید. جانشینی فوکاس به جای ماوریکیوس، و هراکلیوس به جای فوکاس، در نگاهی وسیع‌تر، به نوعی نبرد میان نیروهای اجتماعی مختلف در این امپراتوری تعبیر می‌شد. زمینداران بزرگ حامی هراکلیوس بودند. فوکاس را محافل نظامی، مقامات جزء

۱. Deme: ولایت‌ها یا ناحیه‌های کم‌جمعیتی که کنستانتینوس (۶۴۱-۶۶۸م) ایجاد کرد. -م.

کشوری و نظامیان به اوج رساندند، اما او نتوانست از آن‌ها حمایت کند، و سرانجام با نادیده گرفتن منافع سیاسی این محافل و از دست دادن حمایت آن‌ها، موقعیت خویش را متزلزل ساخت. این بار نیز نمایندگان زمینداران بزرگ در سنا موقعیت برتر را در اختیار داشتند.

تزلزل ساختار حکومت ایران و روند سقوط سلطنت ساسانیان از نیمهٔ دوم سدهٔ ششم میلادی آغاز شد. هرمزد، پدر خسرو دوم، پس از گذشت نیم قرن از جنبش مزدکیان، بار دیگر ناگزیر در مقابل ملاکان متوسط کوتاه آمد و در عین حال کوشید تکیه‌گاهی در جامعه نسطوریان حکومت خویش به دست آورد. بهرام چوبین کودتا کرد و خود را جانشین وارث ساسانیان ساخت، و در عین حال، به عنوان نمایندهٔ طبقهٔ نظامیان ایران به مبارزه پرداخت. نیروهای سیاسی درون حکومت در کشمکش‌های میان خود حامیانی از خارج آن می‌جستند. امپراتور ماوریکوس، خسرو دوم را در بازپس‌گیری تاج و تخت از بهرام غاصب یاری کرد، خسرو نیز به کین‌خواهی ماوریکوس علیه فوکاس برخاست. این دلایل ساختگی که با رنگ و بوی «ایدئولوژیک» آمیخته شده بود، در واقع سرپوشی بر ترفندهای صاحبان عمده منافع سیاسی برای حل مسائل مربوط به سلطنت و حکومت بود. توسعه طلبی خسرو دوم تنها کوششی در جهت جلوگیری از فروپاشی ایران بود؛ فتوحات او به طور موقت سیل امکانات را روانه قشرهای بالا و متوسط جامعه کرد. اما نیروی دولت ایران رو به ضعف و سستی نهاده بود و دلیل آن به طور عمده لشکرکشی‌های هراکلیوس امپراتور بیزانس، و در مقیاس وسیع‌تر، حملات سهمگین عرب‌ها بود. بیزانس بخشی از سرزمین‌های خود را در قاره آسیا همچنان حفظ کرد، اما تمامی ایران طعمهٔ سپاه مسلمانان گشت. کانون مناسبات میان ایران و بیزانس به دست اعراب از هم پاشید. اعراب سومین نیرویی بودند که از دههٔ چهارم سدهٔ هفتم میلادی بر تمامی آسیای مقدم تسلط یافتند. در هر دو کشور بیزانس و ایران در سدهٔ ششم میلادی سیاستمداران بزرگی در رأس قدرت قرار داشتند. خسرو اول^۱ رقیب و هم‌اورد یوستینیانوس بود؛ هر دو شخصیتی تند و استوار داشتند و به استبداد متمایل بودند. هر یک نیز در آن سده دورهٔ درخشانی برای کشور خود رقم زدند.

منابع فراوان و متنوعی، از اسناد قانونی تا روایات و حکایات، از روزگار یوستینیانوس بر جای مانده است که می‌توان به کمک آن‌ها آن دوره را به طور کامل و از جهات گوناگون مطالعه کرد. تاریخ‌نگاران، از پروکوپئوس، معاصر یوستینیانوس، تا به امروز، آن دوره را

۱. خسرو انوشیروان. - م.

به‌خوبی روشن‌گری کرده‌اند. تکنگاشتهای عالی دیل،^۱ هولمز،^۲ فصل‌هایی از آثار عمومی بری،^۳ ای. اوسپنسکی،^۴ آ. آ. واسیلیف^۵ شرح کاملی از ویژگی‌های این دوره به دست می‌دهند. به منابع تخصصی مربوط به قوانین، معماری و هنر این دوره نمی‌پردازیم. سلطنت یوستی‌نیانوس از لحاظ مدت بسیار مهم است، اما از نظر محتوا نیز اهمیت فراوانی دارد. رویدادهایی با خصوصیات منفی در هر دو حوزه سیاست خارجی و قانونگذاری را نیز می‌توان به این دوره نسبت داد. دوره یوستی‌نیانوس نمونه‌ای عالی برای مطالعه و منبعی بسیار مناسب برای تدریس در مدارس عالی است.

هراکلیوس، نزدیک‌ترین شخصیت برجسته امپراتوری بیزانس به برهه تاریخی یوستی‌نیانوس بود. او فرماندهی بی‌باک و قهرمان بود که به قلب ایران لشکر کشید و پیروزمندانه به پایتخت بازگشت. هراکلیوس در عین این‌که از هر سو زیر فشار «بربرها» قرار داشت، کشتی خود را متهورانه از خطر رهانید و سلطنت را شجاعانه از آن خود ساخت. نوسازی بیزانس و تقسیم امور حکومت با ایجاد تیمه‌ها، که نشانه‌ای از شتاب یافتن روند رشد فتودالیسم بود، در دوره هراکلیوس روی داد.

اسامی یوستینوس دوم، تیبریوس، ماوریکیوس و فوکاس گویا تحت‌الشعاع این دو صاحب‌منصب برجسته قرار گرفته‌اند. در عین حال، بررسی دقیق‌تر دوره انتقالی آن‌ها، که حاصل سیاست‌های یوستی‌نیانوس و زمینه‌ساز اصلاحات هراکلیوس بود، دوره‌ای که آکنده از رویدادهای خارجی، نبردهای تشدید یافته طبقاتی، شورش‌های واحدهای نظامی و تغییر دودمان سلطنتی بود، ضروری است.

در مورد ایران نیز وضع تقریباً به همین منوال است. روزگار درخشان سلطنت خسرو اول بیش‌ترین منابع را دارد و بیش از هر دوره‌ای پژوهش و بررسی شده است. پس از مرگ خسرو اول نیز ایران وارد دوره‌ای انتقالی شد که طی آن چندین پادشاه جای خود را به دیگری دادند. خسرو دوم^۷ حتی در اثر کاپیتالیستی کریستنسن^۸ که او را به درستی «واپسین پادشاه بزرگ دودمان ساسانیان» نامیده است، خصوصیات چندان مطلوبی ندارد.

1. Diehl

2. Holms

3. Bury

4. F. I. Uspenskii

5. Aleksandr Aleksandrovich Vasil'ev

۶. Theme یا «تیم» از تقسیمات کشوری روم شرقی، برابر با استان. در تمه‌ها برخلاف استان به مفهوم رایج، تمامی قدرت و اختیارات اداری و نظامی در دست بالاترین مقام هر تمه بود تا بهتر بتواند در مقابل تهدیدات دشمنان مقابله کند. — م.

۷. خسرو پرویز. — م.

8. Arthur Emanuel Christensen

من در تک‌نگاشت میانرودان در سده‌های پنجم و ششم میلادی^۱ بر اساس رویدادنامه سریان‌ی نوشته یوشع مناره‌نشین،^۲ ویژگی‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی این استان مرزی بیزانس را شرح داده‌ام. تعیین خطوط اصلی زندگی اجتماعی این دوره از تاریخ بیزانس، بر اساس تحلیل تطبیقی واژگان سریان‌ی و یونانی، و داده‌های حاصل از منابع حقوقی و رویدادنامه‌ها امکانپذیر شد. فصل دوم این کتاب به مناسبات سیاسی و جنگ‌های میان ایران ساسانی و بیزانس اختصاص دارد.

اثر دیگر من با عنوان منابع سریان‌ی تاریخ خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی^۳ بر اساس مطالعات تطبیقی منابع سریان‌ی و مقایسه آن‌ها با داده‌های حاصل از سایر شواهد تاریخی تألیف شده است. این پژوهش مرا به نتایج جدیدی در باب تاریخ «بربرها» و در وهله اول، اسلاوهای ساکن مرزهای بیزانس و ایران در سده ششم میلادی و اجداد خلق‌های ساکن در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، رهنمون ساخت.

مسئله بیزانس و ایران که مسئله‌ای جدید در علم تاریخ است، در کانون این آثار قرار دارد. پژوهش حاضر با موضوع تاریخ بیزانس و ایران در سده‌های ششم و هفتم میلادی، تکمیل‌کننده حلقه آثار مذکور است.

1. Н. В. Пигулевская, "Месопотамия на рубеже V и VI вв.", Ленинград, 1940.

2. Joshua the Stylite

3. Н. В. Пигулевская, "Сирийские источники по истории народов СССР", Л., 1941.

منابع

یکی از علل ضعف پژوهش در تاریخ آسیای مقدم در دورهٔ بلافصل پیش از فتوحات اعراب، تعدد زبان‌های منابعی است که پژوهشگر برای ترسیم تصویر تا حد امکان کامل از تاریخ آن دوره نیاز دارد. از میان منابع متنوع موجود، سه گروه بسیار مهم به زبان‌های یونانی، سریانی، و عربی قابل شناسایی است.

از گروه زبان یونانی تألیفات تاریخی چندی محفوظ مانده است. بخشی از آن‌ها توسط معاصران یا افرادی از نزدیک‌ترین نسل به آن‌ها به رشته تحریر در آمده است. از منابع سریانی، رویدادنامه‌های معاصر و همچنین متأخرتر که حاوی مطالبی از آثار و منابع از میان رفته است، اهمیت دارند. اهمیت نویسندگان عرب در این است که آن‌ها متون سالنامه‌های ساسانیان را، که نسخهٔ اصل آن‌ها از میان رفته است، با ترجمه‌های خود حفظ کرده‌اند.

به علاوه، گاهی اوقات لازم است از منابع گرجی و ارمنی، از شواهد موجود در منابع لاتینی و حتی از اطلاعات موجود در زندگینامه‌های اسلاوی که در متن کتاب معرفی شده است، بهره گرفته شود.

منابع یونانی

تئوفیلاکتوس سیموکاتا^۱

تاریخ (Ἱστορίαι) اثر تئوفیلاکتوس سیموکاتا یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ آسیای مقدم در اواخر سدهٔ ششم و اوایل سدهٔ هفتم میلادی است. از او اطلاعات چندانی در دست نیست.

1. Theophylact Simocatta

فوتیوس^۱ در اثر خود با عنوان کتابخانه،^۲ او را مصری‌تباری Ἀργύπιος τῷ γένει می‌داند که در عهد امپراتوری ماوریکیوس و فوکاس می‌زیست.^۳ از خامه او کتاب علمی *Quaestiones physicae* و مجموعه‌ای از نامه‌ها بر جای مانده است.

تئوفیلاکتوس تاریخ خود را به تفصیل روایت کرده است. او علاقه خود نسبت به شرق را به روشنی بیان می‌کند و حتی می‌توان به ضرس قاطع گفت که تا حدودی به زبان‌های پارسی و سریانی آشنایی داشته است. او بی‌تردید از منابع مکتوب بهره برده و در عین حال، از روایات شفاهی نیز غافل نبوده است. تئوفیلاکتوس با «مرد مقدسی از بابل» — ἀνδρός βαβυλωνίου ἱερομνήμονος — یا به بیان دیگر، روحانی مسیحی پارسی آشنا بود. از او اطلاعاتی راجع به تواریخ شاهان (περὶ τὰς βασιλικὰς διηγήρας)، به‌ویژه درباره سرنوشت و رویدادهای پادشاهان پارس، که این پارسی می‌توانست روایت کند، دریافت کرد.^۴ از منابع مکتوب تئوفیلاکتوس می‌توان به اثر مناندروس،^۵ که مورد تحسین او بود، اشاره کرد.^۶ تئوفیلاکتوس آثار یوحنا لیدیایی^۷ را نیز مطالعه و به آن‌ها استناد کرده است.^۸ تئوفیلاکتوس را بر اساس کتاب خودش می‌توان فردی دانست که مکتب دیده بود، ارزش بسیار زیادی برای ادبیات یونان باستان قائل بود و با کمال میل به آن تاسی می‌جست، گرچه در این کار توفیق کافی نیافت. او گویا در آتن تحصیل کرده بود.^۹ او معاصر امپراتور هراکلیوس بود. خصوصیات فردی هراکلیوس را می‌ستود و با تمایلات او همعقیده بود. تئوفیلاکتوس هیچ‌گاه نظر مساعدی نسبت به فوکاس نداشت، از این روی پیروزی هراکلیوس بر فوکاس قنطورس صفت را بسیار ارج می‌نهاد.

علاقه‌مندی تئوفیلاکتوس به سبک‌شناسی نتایج اسفباری در پی داشت. روش او این بود که وقایع را با آب و تاب بیش از اندازه روایت کند؛ زبانی که به کار می‌برد مملو از واژه‌هایی بود که فهم منظور او را دشوار می‌ساخت. تمایل او به مغلق‌گویی، به صورت

1. Photios I of Constantinople

۲. Bibliotheca یا Myriobiblon (هزارکتاب). — م.

3. Simocatta, III, 18, 6, p. 147.

نقل قول از کتاب:

Theophylacti Symocatae, *Historia* edidit Carolus de Boor, Lipsiae, 1887.

4. Simocatta, I, 2, 5, p. 45.

5. Menander

6. Simocatta, I, 2, 5, p. 45.

7. Joannes Laurentius Lydus

8. Ibid., VII, 16, 12, p. 275.

9. N. Jorga, *Médaillons d'histoire littéraire byzantine*, Byzantion, II, (1925), 1926, pp. 245-248.

گفتگوی میان فلسفه و تاریخ در مقدمه کتاب تاریخ انعکاس یافته است. بیان پیچیده و مغلق او و استفاده از عبارات و واژگان پرطمطراق تا پایان کتاب همچنان حفظ شده است. اقتباس‌ها و استنادهایی که نویسندگان عهد باستان به تئوفیلاکتوس داشتند، نشانه فضل و دانش اوست. آن‌ها حتی از زبان تئوفیلاکتوس نیز تأثیر می‌پذیرفتند. او واژگان هومر، ائورپیدس،^۱ توسیدید^۲ و افلاطون را وام گرفته^۳ و در عین حال کلمات قدیمی و نادر گنجینه زبان یونانی قدیم را نیز در زبان پرطمطراق خود به کار برده است. به علاوه، لغات فراوانی را تنها با کمک قوه تخیل خود ساخته و به کار برده است.^۴ تئوفیلاکتوس هم از ایلیاد نقل قول می‌آورد و هم از اودیسه، و در عین حال قطعاتی از نمایشنامه آياس سوفوکلس^۵ را نیز نقل می‌کند. هروردن نمونه‌هایی از استعاره‌های مورد استفاده او در سخن‌آرایی را گرد آورده و کوشیده است جنبه مضحک نثر پر آب و تاب او را که با تکرار یک واژه یا اصطلاح به انحاء مختلف، ایجاد می‌شد، به نمایش بگذارد.^۶ از ویژگی‌های نثر او می‌توان به کاربرد افعال مجهول به جای معلوم و بالعکس، اتصال نشانه مفرد خنثی به افعال جمع، و... اشاره کرد.^۷ اما به طور کلی او به دستور زبان در حد مدرسه وفادار مانده است.

کرومباخر تئوفیلاکتوس را متهم می‌سازد که در حقیقت با هیچ شخص، مکان، و رویدادی شخصاً آشنا نبوده است. به عقیده او، تئوفیلاکتوس از هرگونه دانش سیاسی، نظامی و جغرافیایی بی‌بهره بود.^۸ سایر محققان تاریخ تئوفیلاکتوس، این رأی بسیار خشن را تا حد قابل توجهی تعدیل کرده‌اند. از نظر آن‌ها در روشنگری تئوفیلاکتوس هیچ تردیدی نیست. این واقعیت که اثر سیموکاتا تا به امروز حفظ شده حاکی از این است که در دوره بیزانس دارای اهمیت بوده است. اهمیت آن شاید به دلیل جاذبه زبانی اثر و سبک نوشتار او، آوردن شواهد مثال از هومر، کاربرد عالمانه واژگان، استفاده از گنجینه لغات قدیمی وام گرفته شده از نویسندگان عهد باستان بوده است. او در واقع، سبک خود را برای لطافت و ظرافت و پاکی هرچه بیش‌تر زبان ادبی حفظ می‌کرد.^۹

1. Euripides

2. Thucydides

3. H. Herwerden, *Varia ad varios. Ad Theophylacti Simocattae historias* (ed. de Boor, 1887, ap. Teubnerum). Mnemosyne, Lipsiae, 1889, pp. 27-28.4. Krumbacher, *Geschichte der byzantinischen Literatur*, 2 Aufl., München, 1897, p. 250.

5. Sophocles

6. H. Herwerden, *Varia ad varios*, pp. 26-27.

7. Ibid., pp. 29-30.

8. Krumbacher, *Geschichte der byzantinischen...*, pp. 248-249.9. N. Jorga, *Médailles*, pp. 245-246.

لحن سیموکاتا هیچ وجه اشتراکی با لحن روحانیان مسیحی نداشت، و این خود سبب جذابیت نثر او در مقایسه با سایر نویسندگان بیزانسی بود. او نیز دچار زودباوری، پیشداوری و اعتقاد به موهومات بود، اما با وجود این، بی‌تردید از افراد پیشرو عهد خود به شمار می‌رفت.

تئوفیلاکتوس مصری تبار و خویشاوند پتر، حاکم این استان، بود. او از اوضاع شرق آگاه بود، زبان‌های فارسی و سریانی را تا حدودی می‌دانست و حتی چند کلمه‌ای نیز می‌توانست به ترکی سخن بگوید.

تئوفیلاکتوس برای تألیف اثر خود از نسخه‌ی اصل چند نامه‌ی فارسی بهره برده است. او اگر یوس^۱ نیز یکی از آن‌ها را در اثر خود آورده است و بدین ترتیب می‌توان آن دو [نامه] را با یکدیگر مقایسه کرد.

بخشی از گزارش‌های مشاوران و صورتجلسه‌های احزاب سیرکی هم مورد استفاده تئوفیلاکتوس بوده است. او مباحثه‌ی جالب توجه یوستینوس دوم با تیریوس را نیز نقل کرده است.

تاریخنگاران، از گیون^۲ به بعد، او را متهم می‌کنند که جزئیات بی‌اهمیت و غیرواقعی فراوانی را در اثر خود وارد کرده است. البته می‌توانیم این نظر را نپذیریم. بسیاری از این جزئیات و توضیحات اغلب موردی او، ویژگی‌های آن روزگار را در ذهن به تصویر می‌کشد. همین جزئیات حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی از ایران ساسانی است. منابع یونانی از این نظر به قدر کفایت مورد ارزیابی واقع نشده و برای استخراج این دوره از تاریخ ایران مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. از جمله این جزئیات می‌توان، به عنوان مثال، به اصطلاحات، القاب و مقام‌هایی اشاره کرد که تئوفیلاکتوس به خط یونانی ثبت کرده و راجع به آن‌ها توضیح داده است. خصوصیتی که او در میان سطرها از خسرو دوم، شکل و شمایل برخی فرماندهان نظامی بیزانسی، روابط آن‌ها با یکدیگر، با سپاهیان و حتی با امپراتور ماوریکیوس، ارائه کرده است، از نکات قابل توجه اثر او به شمار می‌رود. این جزئیات تنها با مطالعه دقیق متن، که همیشه به سادگی امکان‌پذیر نیست، قابل مشاهده است. اطلاعات سیموکاتا سزاوار اعتماد است. او وقایع را واقع‌بینانه و با خونسردی شرح می‌دهد. اشتباهاتش اتفاقی و بی‌غرض است.

1. Euagrius

2. Edward Gibbon, 1737-1794.

تاریخ سیموکاتا دوره‌ای از سال ۵۸۳ م، دومین سال سلطنت امپراتور ماوریکیوس، تا بهار سال ۶۰۳ م را در بر می‌گیرد، البته فاصلهٔ میان سال‌های ۵۹۳ تا ۵۹۷ م از این میان افتاده است. کشف علت فقدان شرح وقایع این سال‌ها در اثر او دشوار و تا کنون ناممکن بوده است. صحت اطلاعات جغرافیایی سیموکاتا، از جمله فواصل میان نقاط سیر سپاهیان با کم‌ترین تردید مواجه است. البته به روشنی مشخص نیست که آیا این صحت از خود نویسنده منشأ می‌گیرد یا ریشه در منابع مورد استفاده او دارد. اما به هر حال صحت منابع نیز به دقت انتخاب سیموکاتا بستگی داشته است.

ترتیب تاریخی رویدادهای روایت شده توسط تئوفیلاکتوس مسئلهٔ دیگری است که نظر پژوهشگران را به خود جلب کرده است. گوتشمیت^۱ و پری^۲ هر یک راجع به او کتابی تألیف کرده‌اند.

از نویسندگان معاصر، هیگینز تحقیقات موشکافانه‌ای در این زمینه انجام داده است. او سال‌های ایرانی را که قبلاً توسط گوتشمیت محاسبه شده بود، اصلاح و موارد عدم تطبیق میان تقویم‌های ایرانی مورد استفاده روحانیان و دولت را به دقت بررسی و تشریح کرده است. با توجه به این که ایرانیان خمسهٔ مسترکه را به پایان سال می‌افزودند، اصلاح سال دولتی (رسمی) ضروری بود، این در حالی بود که چنین اصلاحاتی در تقویم روحانیان به ندرت اتفاق می‌افتاد: آن‌ها در هر ۱۲۴ یا ۱۲۸ سال یک بار یک ماه کامل به سال می‌افزودند تا تقویم‌های رسمی و دینی با یکدیگر منطبق شوند.^۳ هیگینز با در نظر گرفتن این ویژگی‌های گاهنگاری ایرانی طی دههٔ نهم سدهٔ ششم میلادی، اشارات تاریخی تئوفیلاکتوس را اصلاح و اغلب تاریخ‌های ذکر شده توسط او را تأیید و تدقیق کرد. او جدول گاهنگاری رویدادهای جنگ ایران را که پیش‌تر صحت مفاد آن را در فصول پیشین رسالهٔ پژوهشی کوچک اما دقیق خود به اثبات رسانده بود، تنظیم کرد.^۴ برای این منظور او منابع بسیاری را بررسی کرد تا ضمن تعیین تاریخ‌های مورد نظر، مشخص سازد که کدام یک از

1. A. Gutschmid, *Über das iranische Jahr. Berichte über die Verhandlungen der sächs. Gesellschaft d. Wissenschaften zu Leipzig*, 1862, ph.-hist. Kl., 14, pp. 1-6. — Tagizadeh, *Zur Chronologie der Sassaniden. Zeitschr. d. Deutsch. Morgenl. Gesellsch.*, 1937, B. 92, H. 3, pp. 673-679.

2. J. B. Bury, *The chronology of Theophylactos Simocatta*, *The English Historical Review*, v. III, 1888, pp. 310-315.

3. Higgins, *The persian war of the emperor Maurice*, Washington, 1939, p. 13.

4. *Ibid.*, pp. 72-73.

تاریخ‌های مذکور در اثر تئوفیلاکتوس سیموکاتا با تقویم ایرانی منطبق است. هیگینز تألیف بری را نیز مطالعه و نظرات مهم و متقنی ارائه کرد.

سیموکاتا، یا منابع مورد استفاده او، محل وقوع جنگ میان ایران و روم شرقی را با دقت مشخص ساخته‌اند. بعداً در شرح رویدادهای این جنگ طولانی، به این مسئله و جزئیات آن می‌پردازیم.

موضوع ساختار تاریخ تئوفیلاکتوس سیموکاتا و منابع مورد استفاده او، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائلی است که بدون پرداختن به آن نمی‌توان راجع به ارزش اطلاعات گزارش شده توسط او اظهار نظر کرد.

مؤلف خود کم‌ترین اطلاعات را درباره منابع داده است. او از مناندروس و یوحنا یلیدیایی نام برده است. با تجزیه و تحلیل آن قسمت از کتاب تاریخ کلیسای اواگریوس مدرسی که به تاریخ مدنی مربوط است، اطلاعات کلی راجع به تئوفیلاکتوس آشکار می‌گردد. اواگریوس خود می‌گوید^۱ که اثرش را در دوازدهمین سال سلطنت ماوریکئوس به پایان رسانیده است، بنا بر این اثر او مقدم بر تئوفیلاکتوس است. اخبار و اطلاعات اواگریوس به تئوفیلاکتوس نزدیک است، بنا بر این می‌توان چنین نتیجه گرفت که آن‌ها هر دو از منابع مشترکی بهره برده‌اند.

از مقایسه اطلاعات تئوفیلاکتوس در فصول نهم و دهم کتاب سوم او، با بخش‌های به جای مانده از کتاب یوحنا اپیفانی^۲ چنین بر می‌آید که تئوفیلاکتوس اثر یوحنا را به عنوان یکی از منابع خود مورد استفاده قرار داده است، اما همان‌گونه که آدامک به درستی بیان داشته، او در استفاده از کتاب یوحنا استقلال رأی خود را نیز حفظ کرده است.^۳ در برخی مواقع انشای تئوفیلاکتوس با یوحنا اپیفانی که اثرش از جمله آثاری است که به دست ما نرسیده، یکسان است. کتاب یوحنا سال‌های ۵۷۲ تا ۵۹۲ – ۵۹۳ میلادی را در بر می‌گیرد. اواگریوس در باره او می‌گوید که *Ἰωάννης Ἐπιφανεύς* معاصر و همشهری او بود، و این که *ἐμῷ τε πολίτη καὶ συγγενεῖ* از منابع دیگری مشخص شده است که یوحنا اهل اپیفانی واقع در سوریه بوده است. سپس اواگریوس چنین ادامه می‌دهد که کتاب او وقایع تا پیش از خسرو کهنتر،^۴ فرار او به روم و بازگشتش به سلطنت را در بر می‌گیرد. *Ἰωάννης ... καὶ ἐπιμὸν ἱστορήται μέχρι τῆς Χοσροῦ τοῦ νέου πρὸς Ῥωμαίους φηγῆς καὶ*

1. Euagrius, *Historia ecclesiastica*, 6, 24. Ed. Bidez and Parmantier, London, 1898.

2. John of Epiphania

3. Adamek, *Beiträge zur Geschichte des byzantinischen Kaisers Mauricius (582-602)*, II, Graz, 1891, p. 7.

۴. خسرو دوم (پرویز). - م.

آن را به نوعی پیونددهنده یا توالی بی‌واسطه تاریخ یوحنا در ادامه آگاسیاس^۲ می‌داند که او آگریوس در بخش پیشین این جمله راجع به آن سخن گفته است.

بخش‌هایی از کتاب یوحنا یپیفانی در کودکس سال ۱۰۶۵ م و اتیکان وجود دارد. در این کودکس، پس از کتاب تئوفیلاکتوس سیموکاتا *De quaestionibus physicis* نوشته‌ای از کنستانتینوس پرفیروگنتوس^۳ راجع به تمه‌ها، کتاب پروکوپیوس درباره ابنیه، و چند اثر دیگر، با عنوان و بخش‌هایی از کتاب یوحنا یپیفانی مواجه می‌شویم:^۴

Ἰωάννου σχολαστικοῦ καὶ ἀπὸ ἐπάρχων Ἐπιφανέως, περὶ τῆς τοῦ νέου Χοσρόου προσχωρήσεως πρὸς Μαυρίκιον, τὸν Ῥωμαίων αυτοκράτορα, ἱστορίων τόμος ἄ.

پس از عنوان، مقدمه مختصری با نثر ساده و روان نوشته شده است. از این مقدمه چنین برمی‌آید که جنگ رومیان با ایرانیان را که در روزگار امپراتور یوستینیانوس روی داده بود، آگاسیاس و پروکوپیوس قیصری به رشته تحریر در آورده‌اند. او نیز فرار پادشاه پارسی و کمک امپراتور ماوریکوس به او، و جنگ‌های میان بیزانس و ایران را شرح داده است. یوحنا یپیفانی ادعا می‌کند که توانسته است ابتدا در کسوت مشاور گرگوریوس، اسقف انطاکیه، شخص خسرو دوم و دیگر پارسیان عالی‌مقام را ملاقات کند *καὶ γὰρ με συμβεβηκε πρότερον μὲν Γρηγορίῳ τῷ τῆς Ἀντιοχείων πόλεως ἀρχιερεὶ σύμβουλον ὄντα, ἅμα αὐτῷ τὴν πρὸς ἐκεῖνους ὁμιλίαν πολλάκις ποιήσασθαι*^۵. پس از پایان جنگ،

او شخصاً همراه با گرگوریوس برای عقد قرارداد صلح «به سرزمین پارسیان» رفت.^۶

بنابر این، یوحنا یپیفانی شخص بسیار مطلع و معاصر و شاهد عینی رویدادهایی است که روایت کرده است. به نظر او لازم بود به دوره قبل، به ویژه رویدادهای سلطنت هرمزد، پدر خسرو دوم، بپردازد.^۷ قطعات بعدی که در آن نسخه خطی در ادامه مقدمه آمده، حاوی اخبار کوتاهی از مناسبات بیزانس با حمیر^۸ و همچنین راجع به هیئتی به ریاست زمارخوس^۹ اعزامی از سوی امپراتور یوستینیوس نزد ترکان [سغد] است (قطعه دوم).

1. Euagrius, *Hist. eccl.*, 6, 24. 2. Agathias Scholasticus

3. Constantine VII Porphyrogenetos

4. Muller, *Fragmenta historicorum graecorum*, 4. Parisiis, 1851, p. 272.

5. *Ibid.*, p. 273.

6. *Ibid.*

7. *Ibid.*

۸. شهر و دولتی در یمن از حدود ۱۱۵ پ.م تا ۵۲۵ م. — ویکی‌پدیا.

9. Zemarchus

قطعات بعدی کتاب یوحنا در رسالهٔ آدامک که پیش‌تر ذکر آن رفت، با کتاب تئوفیلاکتوس سیموکاتا مقایسه شده است.^۱ به گمان کرومباخر، که به نظر می‌رسد به حقیقت بسیار نزدیک است، تئوفیلاکتوس اطلاعات مربوط به داستان فرار و بازگشت خسرو دوم را که در کتاب‌های چهارم و پنجم خود نقل کرده، از کتاب یوحنا ایپفانی اقتباس کرده است.^۲ به گفته او اگریوس، کتاب اخیر منبع اطلاعات او نیز بوده است. او اگریوس از اطلاعات کتاب مذکور در تألیف کتاب ششم تاریخ کلیسای خود که در آن به وقایع از منظر دولت‌ها پرداخته، استفاده کرده است. و سرانجام این که آنا کومنا^۳ هم، که کتاب تاریخ سلطنت برادر خود، امپراتور آلكسیوس کومننوس، را در سال ۱۱۴۸ م به پایان رساند، یوحنا ایپفانی را می‌شناخت. او چند جمله از مقدمهٔ یوحنا را اقتباس و عیناً در کتاب خود نقل کرده است.

بخش‌هایی از تاریخ تئوفیلاکتوس که از کتاب یوحنا ایپفانی اقتباس شده، اعتبار بیش‌تری دارد و در آن بخش‌ها شواهد به اصطلاح دست اول آورده شده است. اما به هر حال با مقایسهٔ آثار تئوفیلاکتوس و اوگریوس نمی‌توان کتاب یوحنا ایپفانی را بازسازی کرد.^۴

اطلاعاتی که تئوفیلاکتوس از ایران دارد، حتی با علم به این که از یوحنا ایپفانی اقتباس شده، اهمیت خاصی دارد. این اطلاعات را می‌توان موثق دانست. در متن کتاب تئوفیلاکتوس ردی از سادگی سبک و بیان یوحنا را می‌توان مشاهده کرد. اما به هر حال، این کتاب بازنویسی شده و سبک پیچیده، ظریف، و تصنعی او بر کل اثر حاکم است. این احتمال وجود دارد که تئوفیلاکتوس کشیش مسیحی پارسی را که از او در کتابش نام برده، شخصاً نمی‌شناخته و او را نیز از یوحنا ایپفانی اقتباس کرده باشد، گرچه هنوز این نظر به قوت خود باقی است که تئوفیلاکتوس او را شخصاً می‌شناخت. البته تئوفیلاکتوس به اذعان خود، منابع مکتوبی چون آثار مناندروس و یوحنا لیدیایی را نیز در اختیار داشته است.

بینزپس از انتشار کتاب تئوفیلاکتوس^۵ توسط دبور،^۶ اظهار عقیده کرد که تئوفیلاکتوس از فصل نهم کتاب سوم خود از کتاب یوحنا ایپفانی استفاده کرده است، زیرا او از این جا به روایت وقایع حیرت‌انگیز و خارق‌العاده علاقه‌مند می‌شود^۷ و از جمله، اعتراف دراماتیک

1. Adamek, *Beiträge* II, p. 7-9.

2. Krumbacher, *Geschichte*, p. 245.

3. Anna Komnene (Comnena)

4. Adamek, *Beiträge* II, p. 19.

5. Simocatta, 3, 9, p. 127.

6. Carolus De Boor

7. N. Baynes, *The literary construction of the history of Theophylactus Simocatta*, pp. 35, 37. *Ξελα. Hommage international à l'Université nationale de Grèce. Athènes, 1912.*

یوستینوس به عدم کفایتش برای سلطنت را که در واقع انحراف خود (*παράδησομαι*) از معاهدات رسمی می‌دانست،^۱ نقل می‌کند. اما به طور کلی، سیموکاتا بدون انحراف قابل توجهی از منبع خود پیروی می‌کند، به همین دلیل می‌توان با درصد بالایی از اطمینان گفت که منبع او در فصل پانزدهم کتاب پنجم^۲ به پایان رسیده است، زیرا به عقیدهٔ بینز، جملهٔ «رومیان و ایرانیان به تساوی صلح کردند و بدین ترتیب جنگ بزرگ ایران و روم پایان یافت» در واقع جملهٔ پایانی کتاب یوحنا ایپفانی است.^۳ تشخیص این که سیموکاتا از این پس از چه منبعی استفاده کرده است، ممکن نیست، به هر حال برخی اشتباه‌ها در توالی تاریخی رویدادها را باید به حساب تغییر منبع مورد استفاده گذاشت. تئوفیلاکتوس آخرین کتاب‌هایش را احتمالاً از خودش نوشته است، زیرا رویدادهای نقل شده در آن‌ها معاصر اوست و منابع شفاهی فراوانی برای گردآوری اطلاعات در اختیارش بوده است. لازم به ذکر است که احتمالاً تئوفیلاکتوس اطلاعات منفی دربارهٔ ماوریکیوس در اختیار داشته، اما نقل نکرده است.

از پژوهشگران جدید، یورگا^۴ در استفادهٔ تئوفیلاکتوس از یوحنا ایپفانی تشکیک کرده است، زیرا او از یوحنا نامی نمی‌برد، در حالی که از معاصران خود همچون مناندروس و یوحنا لیدیایی یاد می‌کند. ولی یورگا اصلاً از این عقیدهٔ خود دفاع نکرده است. اثر تئوفیلاکتوس علاوه بر جاافتادگی پیش‌گفته (سال‌های ۵۹۳ تا ۵۹۷ م)، این نقص را دارد که به پایان نرسیده است، زیرا نتیجه‌گیری ندارد. او پس از مرگ ماوریکیوس تنها چند خبر مجزای نسبتاً بی‌ربط نقل می‌کند و سپس تاریخ را به اختیار خود به پایان می‌رساند. او دست‌کم تا دورهٔ امپراتور هراکلیوس زندگی کرده، بنابراین شاهد رویدادهای دورهٔ فوکاس نیز بوده است.

تئوفیلاکتوس سیموکاتا واپسین نویسندهٔ نامدار بیزانسی در روزگار پیش از اعراب است. پس از او به مدت قریب ۱۵۰ سال هیچ مورخ نامدار یا حتی وقایع‌نویسی ظهور نکرد. [پس از تئوفیلاکتوس سیموکاتا] نوشته‌های تئوفانس که در سدهٔ هشتم م در عهد کنستانتینوس پنجم، ملقب به کوپرونیموس^۵ (۷۴۱-۷۷۵ م)، می‌زیست و با استفاده از منابعی که در اختیار

1. Simocatta, 3, 11, p. 132. – В. Е. Вальденберг, “Речь ‘стина II к Тиверю”, Известия АН СССР. Отделение гуманитарных наук, 1928, стр. 120-127.

2. Ibid., 5, 15, p. 216.

3. N. Baynes, Ibid., p. 38.

4. Nicolae Iorga

۵. امپراتور بیزانس مخالف سرسخت شمایل بود و بدین دلیل کشیش‌ها و راهبان بسیاری را اعدام کرد. از این روی مخالفانش او را کوپرونیموس (از «کوپروس» به معنی فضولات چهارپایان اهلی) لقب دادند. — م.

ما نیست به رشته تحریر در آمده، بسیار قابل اعتماد است. سیموکاتا را می‌توان نسبت به تأثیری که بر نویسندگان بیزانسی پس از خود داشته است، مسئول دانست. در واقع او بود که نویسندگان پس از خود را با زبان تصنعی و سبک تجمیلی‌اش به مسیر ناخواسته‌ای هدایت کرد،^۱ اما به هر حال نمی‌توان نکات مثبت این مورخ را نادیده گرفت. روایت‌های واقع‌گرایانه او، نحوه شرح رویدادها به ترتیب وقوع و با جزئیات، اثر او را به ارزشمندترین منبع تاریخ آسیای مقدم در اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم میلادی مبدل ساخته است.

اواگریوس

اواگریوس در سال ۵۳۶م در شهر ایفانی، واقع در بخشی از سوریه که از دیرباز کهله^۲ یا سیله سوریه یا سوریه مجوف^۳ نامیده می‌شود، به دنیا آمد. اواگریوس در مقدمه کتاب خود از شهر ایفانی نام برده است. بطریق (پاتریارک) فوتیوس در کتابخانه خود آورده است که اواگریوس *πόλεως δὲ Ἐπιφανοῦς τῆς κατὰ τὴν Κοίλην Συρίαν* [از ایفانی است نه از سوریه مجوف]. اواگریوس پیش‌تر عمر خود را در انطاکیه گذراند. او در آن شهر به وکالت و امور حقوقی اشتغال داشت و بدین سبب به مدرسی (*σχολαστικός*) لقب یافت. پس از آن که بطریق گرگوریوس انطاکی به رفتارهای ناشایست متهم شد و در شهر مورد استهزا قرار گرفت، توسط امپراتور به قسطنطنیه احضار شد تا در حضور او و سنا از خود دفاع کند. هنگام عزیمت، اواگریوس نیز به حمایت از او عازم شد، *Περὶ τούτων οὖν ἔμοῦ παραδρεύοντος καὶ* *παρόντος γε αὐτῷ κατὰ τὴν βασιλέως γέγονε τὴν ἀπολογία ὑφέξων*^۴ امپراتور تیبریوس، اواگریوس را به مقام رئیس مالیه، و امپراتور ماوریکیوس او را به سمت حاکم عالی مقام (*ἀπο ὑπαρχος*) منصوب کردند. او خود در این باره می‌نویسد:

... *Τιβερίου μὲν Κωνσταντίνου τῆ τοῦ κναιστιοῦ περιλαβόντες Μαυρικίου δε Τιβερίου δέλτους ὑπάρχων. στείλαντος...*^۵

تاریخ دقیق مرگ او مشخص نیست، اما احتمال می‌رود که در اواخر سده ششم میلادی درگذشته باشد.^۶

1. Krumbacher, *Geschichte*, p. 251.

2. Kele

3. Coele-Syria

4. Euagrius, *Historia ecclesiastica*, 6, 7, ed. Bidez and Parmantier, London, 1898, p. 226.

5. *Ibid.*, 6, 27, p. 240.

6. Krumbacher, *Geschichte*, p. 245.

کتاب تاریخ کلیسای اوآگریوس با این جمله آغاز می‌شود:

Εὐαγρίου σχολαστικοῦ καὶ ἀπὸ ὑπαρχῶν τοῦ Ἐπιφανέως ἑκκλησιαστικῆς ἱστορίας λόγοι κ.

فوتیوس به دقت این کتاب را توصیف کرده است:

ἑκκλησιαστικὴ ἱστορία ἐν τόμοις ἕξ ἀρχὴν ποιουμένη τὸ τέλος τῆς Σωκράτους καὶ Θεοδορήτου ἱστορίας, καὶ κατιούσα μέχρι τῆς βασιλείας Μαυρικήου, ἔτος δωδέκατον ἐν τῇ βασιλείᾳ διανύοντας.

به بیان دیگر، اوآگریوس کتاب تاریخ خود را از آن جا آغاز می‌کند که سقراط و تئودورت^۱ کتاب تاریخ کلیسای خود را به پایان رسانده بودند. همان گونه که اوآگریوس در انجامة کتاب خود نوشته است، اثر او تا سال دوازدهم سلطنت امپراتور ماوریکیوس (سال ۵۹۳ م) را در بر می‌گیرد:

Ἐνταυθά μοι τὰ τῆς στωρίας πεπαύσθω Μαυρικήου Τιβερίου δωδέκατον ἔτος τὴν Ῥωμάϊων βασιλείαν διακυβερνῶντος, τῶν ἑξῆς τοῖς βοολομένοις ἐκλέγειν τε καὶ γράφειν καταλαμβάνομένων.^۲

«در این جا، من در دوازدهمین سال سلطنت ماوریکیوس تیبریوس بر رومیان، [کتاب خود را]

به پایان می‌رسانم، با آرزوی این که پس از آن به ثبت باقی رویدادها پردازم.»

اوآگریوس تعدادی از مورخان و نویسندگان بیزانسی، از آن جمله نیکفوروس، نویسنده زندگینامه سمعان کهتر،^۳ را نیز نام می‌برد.^۴ نیکفوروس کالیستوس^۵ در آغاز سده چهاردهم میلادی کتاب تاریخ کلیسا را تا سال ۶۱۰ م، سال مرگ امپراتور فوکاس، در هجده جلد تألیف کرد. او در تألیف این اثر از جمله منابع خود از کتاب اوآگریوس بسیار بهره برده^۶ و حتی در مقدمه اثرش به این موضوع اشاره کرده است و مشخصاً از اوآگریوس و برخی دیگر نام می‌برد.^۷ کتاب اوآگریوس تاریخ کلیسا نام دارد، اما حاوی اطلاعات فراوانی راجع به تاریخ سیاسی بیزانس است، به گونه‌ای که تمامی شش جلد آخر آن به موضوع اخیر اختصاص دارد. با مطالعه کتاب اوآگریوس این احساس به انسان دست می‌دهد که او در قسمت تاریخ سیاسی،

1. Theodoret of Cyrus (Cyrhus)

2. Euagrius, *Historia*, 6, 24, p. 240.

3. Simeon Stylites the Younger

4. *Ibid.*, p. XIII.

5. Nicephorus Kallistus Xanthopoulos

6. Krumbacher, *Geschichte*, p. 291.

7. Nicephorus Kallistos, *Historia ecclesiastica*, 1, p. 35.

به‌ویژه شرح جنگ‌های ایران و بیزانس در جلد ششم، یا توصیف ویژگی‌های نظام اقتصادی بیزانس در دوره سلطنت آناستاسیوس که در آن زمان تحت مدیریت مارینوس سوری^۱ بود، موفق‌تر بوده است.^۲

این جنبه زندگی به مراتب بیش از سایر جنبه‌ها به مذاق او خوش آمده بود، و تنها سنت و رسم زمانه او را واداشته بود تا به نوشتن تاریخ کلیسا دست یازد. در عین حال، او تاریخ کلیسا را با واقع‌بینی و به دور از هیاهو، و با درک عمیق از شرایط روزگار خویش نوشت. به‌درستی چنین پنداشته می‌شود که او تا حد زیادی ادامه‌دهنده سنت تاریخنگاری هلنیستی است تا وقایع نگاری بیزانسی که رویدادها در آن به ابتدایی‌ترین نحو بیان می‌شود. او اگریوس به پیروی از بهترین آثار ادبی قدیمی و بیزانسی اولیه، کتاب خود را به زبان یونانی فاخر نگاشته، و این، وجه تمایز اثر او با سبک دشوار و خسته‌کننده تئوفیلاکتوس است.

او اگریوس منابع مورد استفاده خود را نام برده است. از جمله این منابع، کتاب زوسیموس^۳ که پیش از سلطنت آرکادیوس^۴ و هونوریوس^۵ تألیف شده، و اثر پریسکوس^۶ یا پریسکوس خطیب است. او اگریوس برای نگارش رویدادهای مربوط به دوره زمانی از سقوط تروا تا دوازدهمین سال سلطنت آناستاسیوس، از کتاب استاتیوس اپیفانی^۷ که از قرار معلوم به دست ما نرسیده، استفاده کرده است. برای تاریخ دوره یوستینیانوس هم کتاب پروکوپئوس قیصری منبع او بوده است. علاوه بر این‌ها، او اگریوس از دو مورخ به نام‌های آگاسیاس خطیب، و یوحنا، همشهری خود، که به نظر می‌رسد یوحنا اپیفانی باشد، یاد می‌کند.^۸ البته نام مناندروس که او اگریوس با او اشتراکات زیادی دارد، در میان منابع مشاهده نمی‌شود.

برخی پژوهشگران معتقدند که او اگریوس بدون این که از مناندروس نام ببرد، از کتاب او بهره برده است، اما تشکیک در صداقت او اگریوس صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا او منابع مورد استفاده خود را واضح و آشکار و با دقت تشریح کرده است. فقط در پنجمین کتاب او می‌توان ارتباط غیرمستقیمی با کتاب مناندروس مشاهده نمود و این تنها موردی است که کرومباخر به آن استناد کرده است.^۹ به عقیده ایپ که منابع او اگریوس را بررسی کرده، او به طور مستقیم از اثر مناندروس در کتاب پنجم خود استفاده نکرده است، اما منابع او به

1. Marinus the Syrian
2. Euagrius, *Historia*, 6 1-24, p. 222-241; 3 42-44, p. 144-147.
3. Zosimus
4. Flavius Arcadius
5. Flavius Honorius
6. Priscus of Panium
7. Eustathius of Epiphany
8. Euagrius, 5, 24, p. 219.
9. Krumbacher, *Geschichte*, p. 246.

روایات و متون کهنی تکیه دارند که مناندروس در مرکز آن قرار دارد.^۱ اما در آخرین کتاب او، کتاب ششم، به وضوح از کتاب یوحنا اپیفانی، که او اگریوس او را در شمار منابع مورد استفاده اش آورده، بهره برده شده است.^۲ نظر آن گروه از پژوهشگران که معتقدند مناندروس منبع او اگریوس نبوده، بی اساس نیست، زیرا دست کم او اگریوس از او در میان منابع خود نامی نبرده است. با توجه به این که این تاریخنگاران، معاصر یکدیگر بوده اند، هر دو می توانستند مستقل از یکدیگر از رویدادهای یکسان مطلع شده باشند.^۳

ببینز تأکید می کند که مناندروس منبع مشترک او اگریوس و توفیلاکتوس نبوده و حتی مورخ اخیر در بخش اول اثر خود، منابع کاملاً متفاوتی را نسبت به او اگریوس معرفی کرده است.^۴ اما در این که او اگریوس در کتاب ششم خود از یوحنا اپیفانی استفاده کرده است، هیچ تردیدی نیست.^۵ او اگریوس به واسطه قرابت با بطریق گرگوریوس انطاکی^۶ در جریان بسیاری از مسائل آن روز حکومت قرار داشت. همین بطریق گرگوریوس در واقعه شورش ارتش، از سوی امپراتور به سوی آن ها اعزام شد و توانست ضمن ایجاد آرامش، امپراتور را با آنان آشتی دهد.^۷ در میان مدارکی که او اگریوس در کتاب خود ثبت کرده است، دو نامه به زبان یونانی منسوب به خسرو وجود دارد. توفیلاکتوس سیموکاتا هم از این نامه ها اطلاع داشته، زیرا او نیز همین نامه ها را در کتاب خود آورده است. متن نامه های مضبوط در کتاب های این دو، جز در برخی اختلاف های جزئی، یکسان است.^۸ اما فقط او اگریوس عنوان نامه ها را ذکر کرده است. احتمالاً هر دو نویسنده متن نامه ها را از یک منبع مشترک، یا به عبارتی از یوحنا اپیفانی، دریافت کرده اند. او اگریوس به عنوان حقوقدان و شخصیتی که موقعیت ممتازی (*ἀπὸ ὑπαρχος*) در انطاکیه داشت، به اسناد و اطلاعات رسمی دسترسی داشت. او اخبار و اطلاعات معاصران خود را نیز در کتابش درج کرده است.

رساله بی نام در باب هنر جنگ

رساله بیزانسی در موضوع هنر جنگ از جمله منابع تاریخی سده های ششم و هفتم میلادی

1. L. Jeep, *Quellenuntersuchungen zu den Griechischen Kirchenhistoriker, Jahrbücher für klassische Philologie*, 14 Supplement Band, Leipzig, 1885, p. 163.

2. Ibid., p. 178. — Krumbacher, *Geschichte*, p. 246.

4. N. Baynes, *The literary construction*, pp. 33-34.

3. Adamek, *Beiträge* p. 7.

5. Adamek, *Beiträge* II, p. 19.

۶. گرگوریوس اول. — م.

7. Euagrius, *Historia*, 6, II, p. 229.

8. Ibid., 6, 21, pp. 235-238. — Simokatta, 5₁₃₋₁₄.

است که کوخلی و روستوف در سلسله انتشارات خود منتشر کرده‌اند.^۱ می‌توان تاریخ نگارش آن را بر اساس نشانه‌هایی، نیمه دوم سده ششم میلادی تخمین زد. نویسنده آن معلوم نیست و از شخصیت او تنها نشانه‌های مبهمی در رساله می‌توان یافت. از این نشانه‌ها چنین استنباط می‌شود که نویسنده رساله شخصی آگاه به فنون و *μεχανικός* یا *μεχανοποιός* (مکانیک یا مهندس) بوده است. او تمامی جزئیات و ویژگی‌های استحکامات نظامی و سلاح‌های جنگی را با دقت فراوان تشریح کرده است. گمان می‌رود که او به عنوان مهندس در جنگ‌های دانوب شرکت داشته است.^۲ او در این رساله از ایرانیان و اعراب به عنوان دشمنان بیزانس^۳ یاد می‌کند. ایرانیان فقط تا پیش از تهاجم اعراب، یعنی تا پیش از ربع دوم سده هفتم میلادی می‌توانستند دشمن بیزانس باشند. او از ایرانیان می‌گوید که آن‌ها سیصد برده به یکی از شهرها هدیه کردند، اما بعداً همان برده‌ها شهر را تسخیر کردند.^۴

در یکی از پاراگراف‌های رساله به قیام نیکا^۵ اشاره شده است.^۶ منتشرکنندگان رساله در خبری از یک جشن پیروزی، مشاهده می‌کنند که در آن جشن، اسیران دشمن را گرد صحنه تئاتر می‌گردانند، و این اشاره‌ای است به پیروزی بلیزاریوس،^۷ زیرا دقیقاً همین پیروزی بود که چنین مشخصات تکرارناپذیری داشت.^۸

منتشرکنندگان رساله به این دلیل که نویسنده آن عبارت «امپراتور ما» – یعنی *ἡμέτερος βασιλεύς* – را به کار برده، تصور می‌کنند که او معاصر یوستینیانوس بوده است.^۹ نکته دیگر این است که رساله مجهول‌المؤلف به فنونی اشاره می‌کند که به زعم نویسنده آن «برای زمان ما» جدید است. به عنوان مثال، دیواری که مورد هدف منجنیق‌ها یا پرتابه‌های دشمن قرار دارد باید با پارچه‌ای از الیاف پشم، کتان، یا مو محافظت شود. باید به کنگره‌های دیوار، پارچه نصب شود تا هم جلو ضربه سنگ‌های پرتاب شده گرفته شود، و هم افراد بتوانند در

1. Köchly und Rüstow, Griechische Kriegsschriftsteller, II, 2. *Der byzantiner Anonymus Kriegswissenschaft* Leipzig, 1855. (از این پس *Anonymus* نامیده می‌شود.)

2. *Anonymus*, XIX, 23, p. 118.

3. *Ibid.*, XLI, 4, p. 188; XL, 1, p. 182.

4. *Ibid.*, XLI, 4, p. 188.

۵. بزرگ‌ترین شورش در تاریخ قسطنطنیه و بیزانس در دوره امپراتور یوستینیانوس اول در سال ۵۳۲ میلادی. بر اثر این شورش نیمی از شهر قسطنطنیه در آتش سوخت و ویران شد و هزاران نفر طی سرکوب شورش کشته شدند. – م.

6. *Anonymus*, II, 2, p. 44.

7. *Ibid.*, III, 15, p. 54. – *Vorbemerkungen*, p. 37.

۸. شورش نیکا به دست بلیزاریوس، یکی از بزرگ‌ترین سرداران بیزانس در عهد یوستینیانوس اول، سرکوب شد. – م.

9. *Anonymus*, V, 4, p. 58.

پناه آن مخفی شوند. اگر چنین پارچه و وسیله استتاری به صورت آماده در اختیار سپاهیان نباشد، می‌توانند از تشک‌های منازل مردم که به‌سادگی قابل دسترس است، استفاده کنند. این تاکتیک‌های دفاعی در رویدادنامه‌های سریانی سده ششم و کتاب‌های یوشع مناره‌نشین و زکریای خطیب^۱ شرح داده شده است. در محاصره آمد، باروها با تشک‌های زنجیرشده به کنگره‌های آن، پوشانده شده بود. ساکنان ادسا در سال ۵۰۳ میلادی دیوارها را به منظور محافظت در برابر قلعه‌کوب‌های ایرانیان، با پارچه و پشم پوشاندند.^۲ بدین ترتیب، ذهن انسان به طور ناخودآگاه به این مسئله معطوف می‌شود که نویسنده رساله، این تاکتیک را پیش از کشف تئوری آن، به صورت تجربی می‌دانست.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که نگارش رساله مذکور در روزگار یوستینیانوس انجام گرفته است. من اطلاعات تخصصی نظامی و فنی رساله را در مقاله پژوهشی با عنوان تجهیزات دفاعی شهرهای میانرودان در سده ششم میلادی ارائه کرده‌ام.^۳ این رساله و به‌ویژه مقدمه آن از لحاظ مطالعه تاریخ عمومی بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی بسیار حائز اهمیت است. نویسنده رساله، هنر جنگ (*ἡ στρατηγική*) را بخش عمده و اساسی سیاست و مایه بقای حکومت می‌داند. از نظر او هنر جنگ *ἡ καὶ αὐτὴ μέρος ἐστὶ κράτιστον τῆς ὅλης πολιτικῆς* است.^۴

این دیدگاه نویسنده رساله نسبت به علوم نظامی سبب شد تا او مقدمه‌ای درباره کشورداری و حکومت بنویسد. نسخه خطی رساله افتادگی دارد و به همین دلیل آغاز مقدمه مشخص نیست، اما قسمت باقیمانده مبنای دیدگاه‌های نویسنده میانه سده ششم میلادی درباره ساختار حکومت بیزانس در آن دوره است. نویسنده کلیه اصناف و طبقات را از نظر منفعت اجتماعی و نقش آن‌ها در اقتصاد امپراتوری بیزانس بررسی کرده است. نظرات نویسنده و مشخصاتی که از اصناف ارائه کرده، از لحاظ مطالعه اوضاع عمومی جامعه بیزانس بسیار جالب توجه است. در عین حال، نکته حائز اهمیت این است که مشخصات جامعه بیزانس از سوی شخصی توصیف می‌شود که خود در آن زمان به عنوان نماینده

1. Zacharias Rhetor (Zacharias Scholasticus, or, Zacharias of Mytilene)

۲. برای جزئیات بیشتر رجوع شود به

Н. В. Пигулевская, "Оборона городов Мезопотамии в VI в.", Ученые записки ЛГУ. Серия исторических наук, Л., 1941 г., вып. 12, стр. 49, 77.

۳. همان جا، صص ۴۶-۸۰.

4. *Anonymus*, IV, I, p. 54.

طبقات میانی جامعه، نه طبقات بالا، در آن حضور داشته است. احتمال می‌رود که مؤلف رساله از جمله متخصصان و مهندسان بوده است. طبع عالی، تجربه و دانش فراوان او، درخشان‌ترین یادگارهای هنر آن روزگار را تا به امروز حفظ کرده است. این مهندس امور نظامی در مقدمه خود با رویکرد و دیدگاه مأمور دولت به مسائل پرداخته، بدین جهت توصیف او از دولت بیزانس بسیار جالب توجه است. کرومباخر این رساله را از لحاظ استقلال مطالب و نثر بی‌نظیر آن ستوده است.^۱ نویسنده با همه این صفات و خصوصیات، از کتاب سکستوس یولیوس آفریکانوس^۲ با عنوان *Kestoi* که در عهد سلطنت سپتیمیوس سوروس^۳ (۲۱۷ – ۲۳۵م) نگارش شده، استفاده کرده است. او با اثر تألیفی آلیانوس^۴، معاصر تراپانوس (تراژان)،^۵ و هادریانوس^۶ (۹۸ – ۱۳۸م)، آشنا بود، اما هیچ‌گاه تسلیم محض منابع خود نشد و همه این آثار را با اطلاعات جدید غنی کرد و مورد استفاده قرار داد. او با تلفیق دانش نظری و معلومات تجربی، و دیدگاه‌های نظری با مبانی عملی، اثری پرمحتوا، مستند و بنیادین آفریده است. برخی از نظراتی که در رساله مجهول‌المؤلف شرح داده شده، دولت‌مرد متبحری را به ذهن متبادر می‌سازد که با اقتصاد سیاسی روزگار خود کاملاً آشنا بوده است. فنون نظامی، تشریح سلاح‌های جنگی و تاکتیک‌های حمله در کانون توجه رساله مجهول‌المؤلف قرار دارد، اما عاملی که این رساله را مورد توجه تاریخ‌پژوهان قرار می‌دهد، مقدمه‌ای است که در آن، نویسنده رساله دیدگاه‌های خود را جمع به طبقات اجتماعی بیزانس را به طور ضمنی شرح داده است. تمرکز رساله بر موضوع‌های یادشده سبب شده است که مؤلف بدون افراط و تفریط به تشریح مسائل مورد نظر ما بپردازد. او صنوف و طبقات اجتماعی را همچون عناصر و قطعاتی از ماشین دولت می‌داند که در تعامل با یکدیگر به انجام وظایف خود می‌پردازند. نقش و وظایف صنوف مختلف جامعه بیزانس طوری توصیف و تشریح شده که هنوز تازگی و طراوت و جذابیت خود را حفظ کرده است.

تئوفانس رویدادنامه‌نویس

تئوفانس رویدادنامه‌نویس نیز از جمله منابع یونانی دوره مورد بررسی ماست. تئوفانس اعتراف نبوش^۷ تنها پسر خانواده ثروتمند و سرشناس خود بود. او در عهد امپراتور کنستانتینوس کوپرونیموس (۷۴۱ – ۷۷۵م) به دنیا آمد. ازدواجش چندان دوام نیافت و

1. Krumbacher, *Geschichte*, p. 635.

2. Sextus Julius Africanus

3. Septimius Severus

4. Aelianus

5. Marcus Ulpius Nerva Traianus

6. Publius Aelius Hadrianus

7. Theophanes Confessor

به زودی طریق رهبانیت پی گرفت و خود صومعه‌ای در ساحل دریای مرمره، در فاصله میان شهر کیزیکوس^۱ و رود رنداکوس بنا کرد. او که مدافع سرسخت شمالی‌پرستی بود به مخالفت آشکار با لئوی پنجم^۲ برخاست، و بدین جهت دستگیر و در جزیره ساموتراکی زندانی شد و در همان‌جا نیز پس از سال ۸۱۷ میلادی از دنیا رفت.

رویدادنامه تئوفانس از این جهت حائز اهمیت است که بر اساس آثاری که از بین رفته و به دست ما نرسیده، تألیف شده است. مشوق تئوفانس برای تألیف این اثر، دوست او، پدر گئورگیوس،^۳ همنشین سابق تاراسیوس،^۴ بطریق قسطنطنیه، بوده است.^۵ تئوفانس در مقدمه خبر می‌دهد که دوست او کتاب تاریخی از آدم تا دیوکلیانوس را تألیف کرده و از او خواسته است تا آن را ادامه دهد. تئوفانس کوشید خواسته او را اجابت کند و به این کار دست یازد، اما سرانجام از انجام آن کار دشوار و، به عقیده او، طاقت‌فرسا باز ماند. او کتاب‌های بسیاری را جستجو و مطالعه کرد و بر اساس پژوهش‌های خود، کتاب از دیوکلیانوس تا سلطنت میخائیل اول و فرزند او توفیلاکتوس را تألیف کرد.^۶ تئوفانس از سال ۸۱۰ تا ۸۱۴ میلادی، یا به عبارتی از مرگ گئورگیوس سینکلوس تا دستگیر و زندانی شدنش به نوشتن این اثر پرداخت.

تئوفانس متن کتاب خود را به ترتیب تاریخ وقوع رویدادها مرتب کرد و کوشید اطلاعات مختلف و، در واقع، قابل فهم از نظر خود را در آن بگنجانند، از این روی، پژوهشگران از لحاظ تاریخ‌هایی که او از کتاب‌های مختلف گرد آورده است، با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌شوند.^۷ تئوفانس برای سده‌های ششم و هفتم میلادی از آثار یوحنا ایپفانی، توفیلاکتوس سیموکاتا، گئورگیوس پیسیدیایی^۸ و نیاشنامه روزانه^۹ بطریق نیکفوروس بهره برد. علاوه بر آن، او به منابعی چون سالنامه‌های کنسولی، رویدادنامه قسطنطنیه و دست‌نوشته‌های بطریق‌های مختلف دسترسی داشته است.

۱. شهری باستانی در استان بالیکسیر کنونی ترکیه. - م.

۲. (Leo V) امپراتور بیزانس (۸۱۳ - ۸۲۰ م). - م

3. Georgius Syncellus

4. Saint Tarasius

5. Theophanes, *Chronographia recensuit Carolus de Boor*, Lipsiae, 1883, p. 3. - Pargoire. *St. Theophane le chronographe et ses rapports avec St. Theodore le Studite*. Византийский временник, т. 9, СПб., 1902, стр. 31-192.

6. Ibid., p. 4.

7. G. Ostrogorsky, *Die Chronologie des Theophanes im VII und VIII Jahrhundert*, *Byzantinisch-neugriechische Jahrbücher*, B. 7, 1930, pp. 1-56-D. Tabachovitz, *Sprachliche und Textkritische Studien zur Chronik des Theophanes Confessor*, Uppsala, 1926.

8. George the Pisidian

9. *Breviarium*

تئوفانس برای تاریخ دوره اسلامی نیز از منابع عمومی چون میخائیل سوری و قطعاتی از یک تاریخ بی نام سریانی که کرومباخر آن را منبع سریانی-یونانی نامیده، بهره برده است.^۱ بروکس در پژوهش ویژه‌ای به این نتیجه دست یافت که منبع مورد استفاده تئوفانس، اثری از یک فلسطینی ملکائی مذهب^۲ بوده که پس از سال ۷۸۰ میلادی تألیف شده است، اما میخائیل سوری^۳ از کتاب تاریخ متعلق به بطریق دیونوسیوس تل محری^۴ (متوفی به سال ۸۴۵ م) که به دست ما نرسیده، استفاده کرده است.^۵ نویسنده ملکائی مذهب ناشناخته و دیونوسیوس تل محری نیز از کتاب تئوفیلوس ادسائی^۶ مارونی مذهب متوفی به سال ۷۸۵ م، که آن نیز به دست ما نرسیده است، بهره برده‌اند. تئوفیلوس پیرو آیین مونوفیزیت‌ها بود، از این روی دیونوسیوس تل محری از کتاب او بدون ذکر نامش استفاده کرده است.^۷ بروکس اثر تألیفی یوحنا بار^۸ شموئیل را که بطریق دیونوسیوس تل محری نیز آن را متذکر می‌شود، در زمره منابع تئوفیلوس می‌داند.

مسئله منابع تئوفانس برای دوره قبل، دوره پیش از اسلام، نیازمند بررسی دقیق‌تری است. منابع او در شرح این دوره حاوی اطلاعاتی از حکومت ایران و دربار ساسانیان در سده‌های ششم و هفتم م است. تئوفانس قرابت فراوانی میان این اطلاعات و سنن مکتوب در رویدادنامه‌های سریانی مشاهده می‌کند. کرومباخر با همه کاستی‌های تئوفانس رویدادنامه‌نویس، به حق اثر او را بسیار عالی ارزیابی می‌کند. به عقیده او، اثر تئوفانس که عصری را در تاریخنگاری بیزانس در بر می‌گیرد، سرشار از مطالب موثقی است که نمونه آن را در رویدادنامه‌های دیگر نمی‌توان یافت.^۹ بروکس منبع مشترک رویدادنامه‌های سریانی و تئوفانس رویدادنامه‌نویس برای دوره اسلامی را بررسی کرده است. برای دوره پیش از اسلام هیچ کس چنین منبعی را مشاهده نکرده، اما نظر به طرح و خصوصیات مشترک میان منابع شرقی و یونانی که در پژوهش‌های دقیق قابل مشاهده است، می‌توان پنداشت که چنین منبعی وجود داشته است. من با تجزیه و تحلیل منابع رویدادنامه سریانی یوشع مناره‌نشین

1. Krumbacher, *Geschichte*, p. 343.

۲. فرقه‌ای در مسیحیت. پیروان آن معتقد بودند که حضرت عیسی (ع) به‌واقع فرزند خداست. - م.

3. Michael the Syrian

4. Dionysius of Tel-Mahr

5. Brooks, *The sources of Theophanes and the Syriae chronicles Byzant*, Zeitschrift, B. 15, 1906, pp. 578-587.

6. Theophilus of Edessa

7. Baumstark, *Geschichte der syrischen Literatur*, Bonn, 1922, p. 341.

۸ «بار» در زبان سریانی برابر با «ابن» یا «بن» در زبان عربی است به معنی پسر. - م.

9. Krumbacher, *Geschichte*, p. 344.